

بیاد کوششهای استاد فقیه هنینگ
در راه احیای آثار ملی ایران

پیشقدمان کشف آثار تاریخی ایران



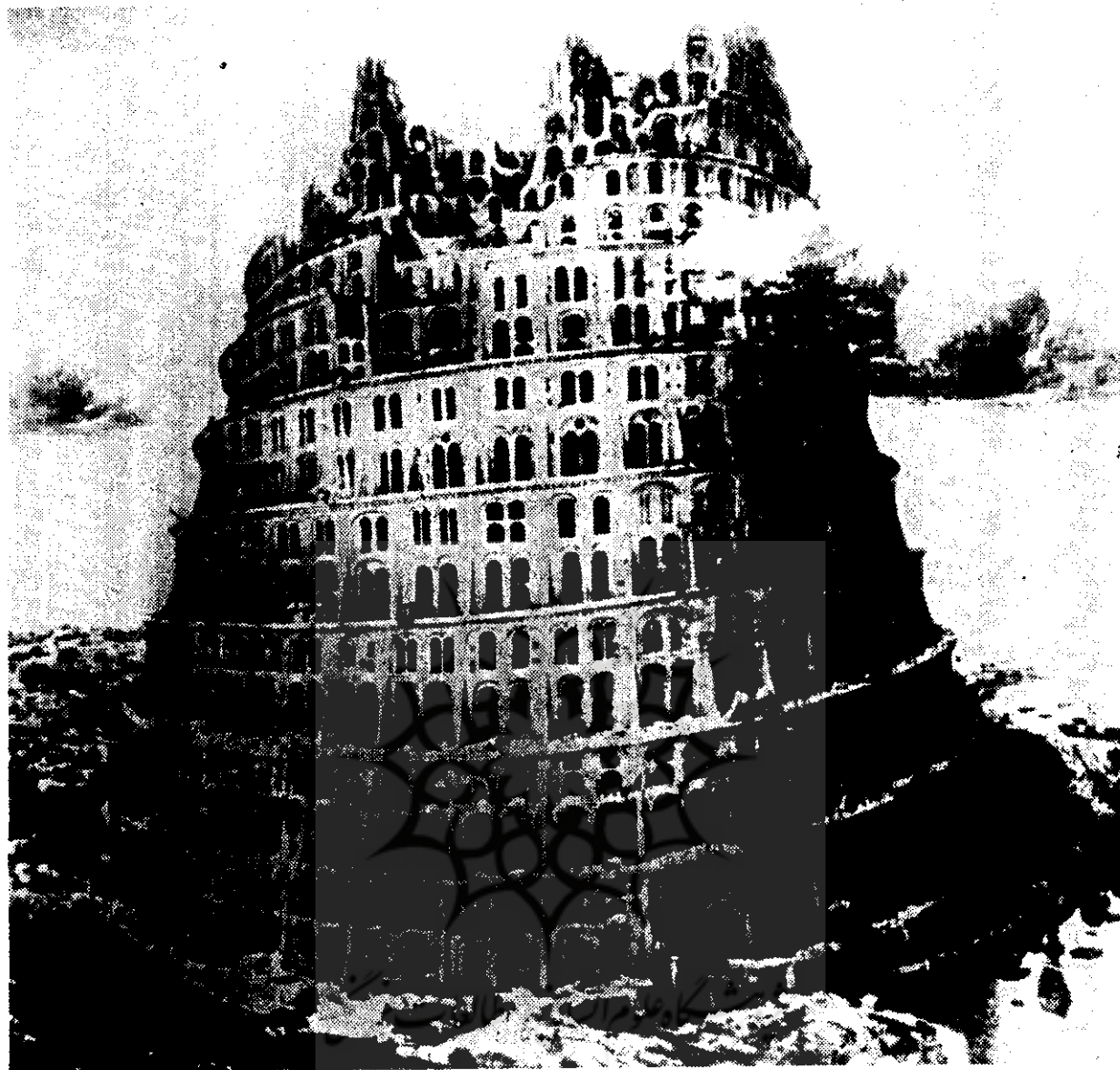
بقلم آقای دکتر عیسی بهنام

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی

برای بالارفتن از بلندی‌های البرز در راه الموت قاطری کرایه کرده بودم و صاحب قاطر همراه من پیاده طی مسافت می‌کرد و هر لحظه با لهجهٔ مازندرانی خود می‌گفت آقا بیا پایین اینجا گنج است . من پایین می‌آمدم و او حق داشت زیرا آثار بسیار کهنی در بسیاری از نقاط البرز پراکنده است . بالاخره باو وعده دادم که سر فرصت به دیدن این گنج‌ها خواهیم آمد .

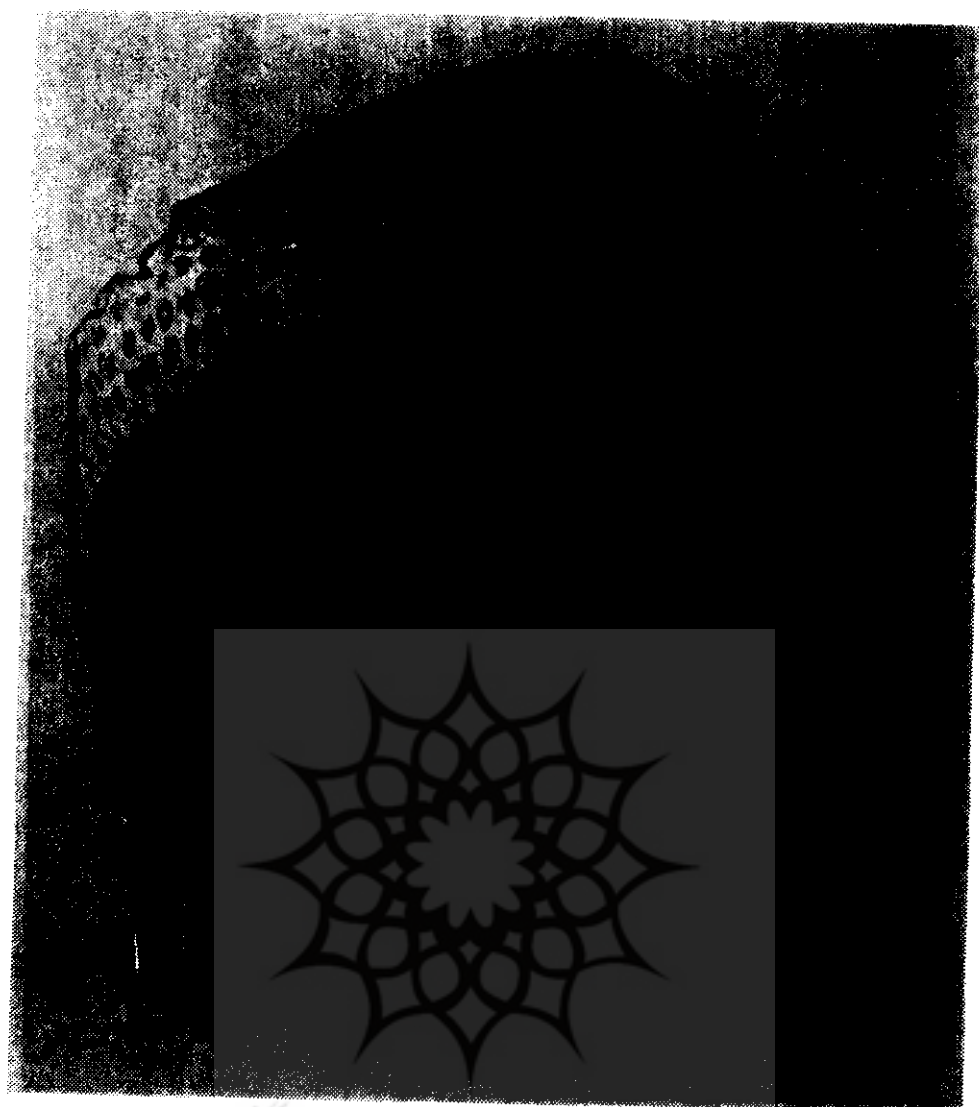
آرزوی من این بود و هست که روزی از طرف دانشگاه در الموت مرکزی بوجود آید که استادان و دانشجویان از رشته‌های مختلف بتوانند در آنجا اقامت کنند و از آنجا برای تحقیقات باستان‌شناسی و تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی و حتی زمین‌شناسی و زبان‌شناسی براحتی به نواحی کلاردشت و عمارلو و اشکور و امام و سمام و از طرف دیگر به سوی رودبار و مارلیک و از جهت دیگر به طرف طالش مسافرت‌های کوچک بنمایند و نتیجهٔ کارهایشان را در الموت و سپس در مرکز تحقیقاتی دانشگاه تنظیم نموده هر سال آنرا بصورت گزارش‌های علمی چاپ کنند .

در ضمن این مسافرت به یاد شرح مسافرت‌های دانشمندان قرن اخیر افتادم . اینها مردمانی بودند که با وجود مشکلات در کوره راه‌های کشور ما طی طریق نمودند و نتایج کنج‌کاوی آنها سبب شد که ما به بسیاری از مطالب تاریخی کشورمان اطلاع پیدا کردیم .



در قرن شانزدهم اروپاییان برج بابل را به این طریق در نظر خود مجسم میگردند

مسافرت در کوره راه‌ها و خم شدن روی آثار چندین هزار ساله بشر لذت مخصوصی دارد و دانشجویان جوان ما هر روز التماس می‌کنند که آنها را برای تحقیق راجع به تاریخ قدیمان به بیابان ببریم. متأسفانه این کار اکنون برای ما میسر نیست. تمایل به انجام چنین مسافرت‌هایی که آرزوی جوانانی مانند دانشجویان و سالخورده‌گانی مانند نویسنده این مقاله است از اواخر قرن ۱۹ میان اروپاییان پدیدار شد. ماسپرو Maspéro در سال ۱۸۹۹ کتابی را به اروپاییان عرضه داشت که تاریخ قدیم ملل شرق نام داشت.



آقای «شیپیز» سرگودئا را در شهر «تلو» نزدیک شوش پیدا کرد و تصور کرد او شیخی است که عمامه‌ای بر سر دارد. این نقش در کتاب او چاپ شده است.

در سال ۱۸۸۲ اولین مجلد کتاب ژرژ پرو Georges Perrot تحت عنوان تاریخ هنر قدیم *l'histoire ancienne des peuples de l'Orient classique* از چاپ بیرون آمد و در فاصله شانزده سال هفت جلد دیگر به آن اضافه شد.

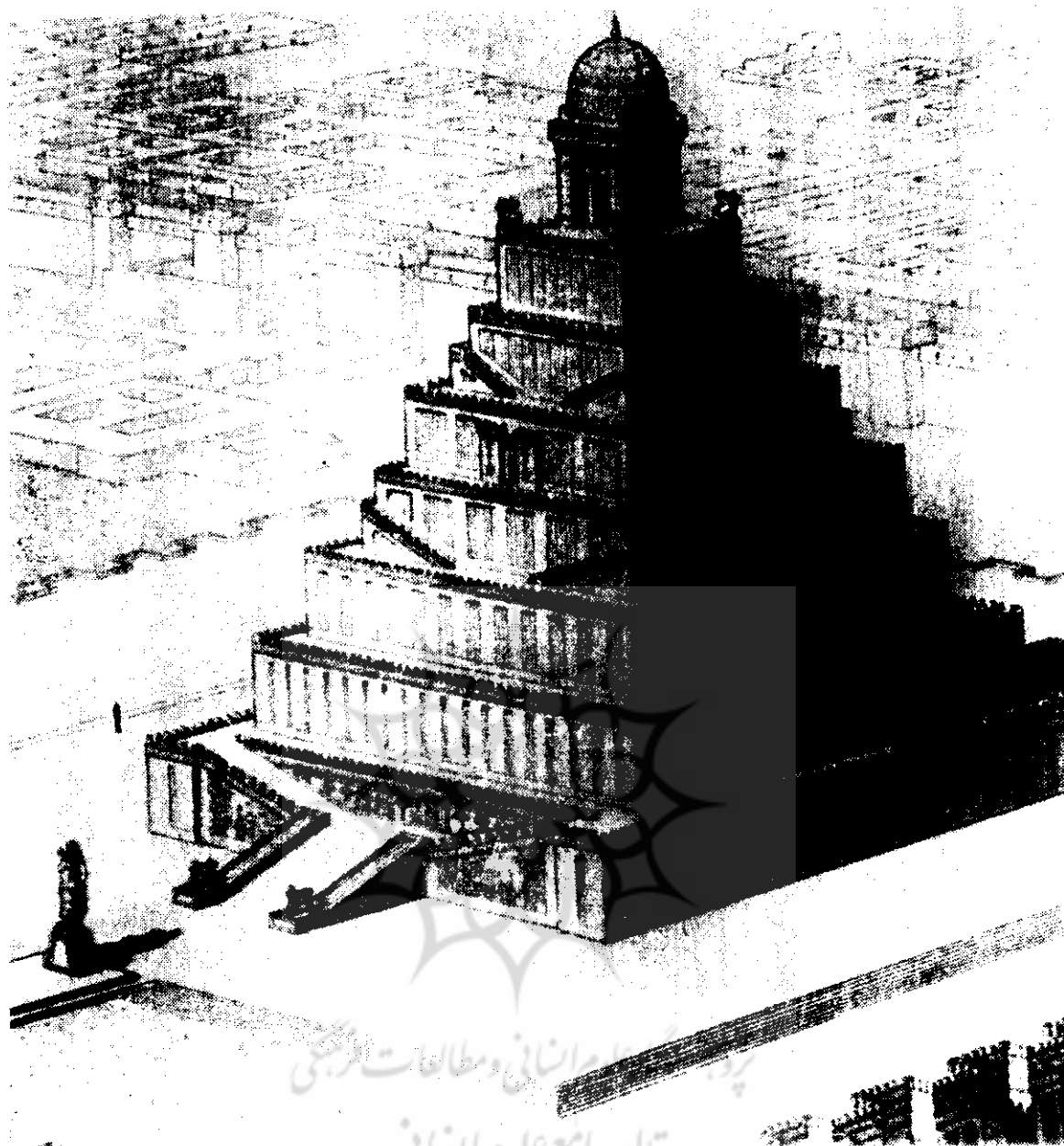
کتاب «پرو» و «شیپیز» امروز در کتابخانه دانشکده ما محفوظ است و در آن بخشی از تمام هنرهای جهان شرق از یونان تا مصر و ایران میتوان یافت. شکل‌های متعددی دارد که نقاشان زبردستی آنرا تهیه کرده‌اند و جزئیات بسیاری از نقوش را که امروز از بین رفته برای ما باقی گذاشته‌اند. آنچه را که امروز بایک فشار روی تکه‌ای میتوان بوسیله دوربین



ما امروز می‌دانیم که این شخص «گودتا» پادشاه ناحیه «تلو» بوده که در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد در آنجا حکومت می‌کرده است و مرد بسیار خیری بوده است.

عکس برداری کرد آنها ساعات متعدد با دقت روی کاغذ نقش کرده اند. اگر مهارت نقاشی مانند ارنست فلاندن در اختیار دانشمندی مانند «بوتا» نبود امروز ما از جزئیات چندین صده متر نقوش برجسته خرص آباد چیزی در دست نمی‌داشتیم. بسیاری از ابنیه و نقوشی که به این طریق در کتاب «پرو» و «شپیز» چاپ شده امروز در محل خود وجود ندارند و به این طریق صفحات نقاشی شده برای ما بسیار پر ارزش اند.

همین فلاندن با همکاری «کوست» Coste صفحات نقاشی شده بسیار ذی‌قیمتی از بسیاری از ابنیه ایران را تهیه کرده است که امروز یک نسخه از آن در موزه ایران باستان



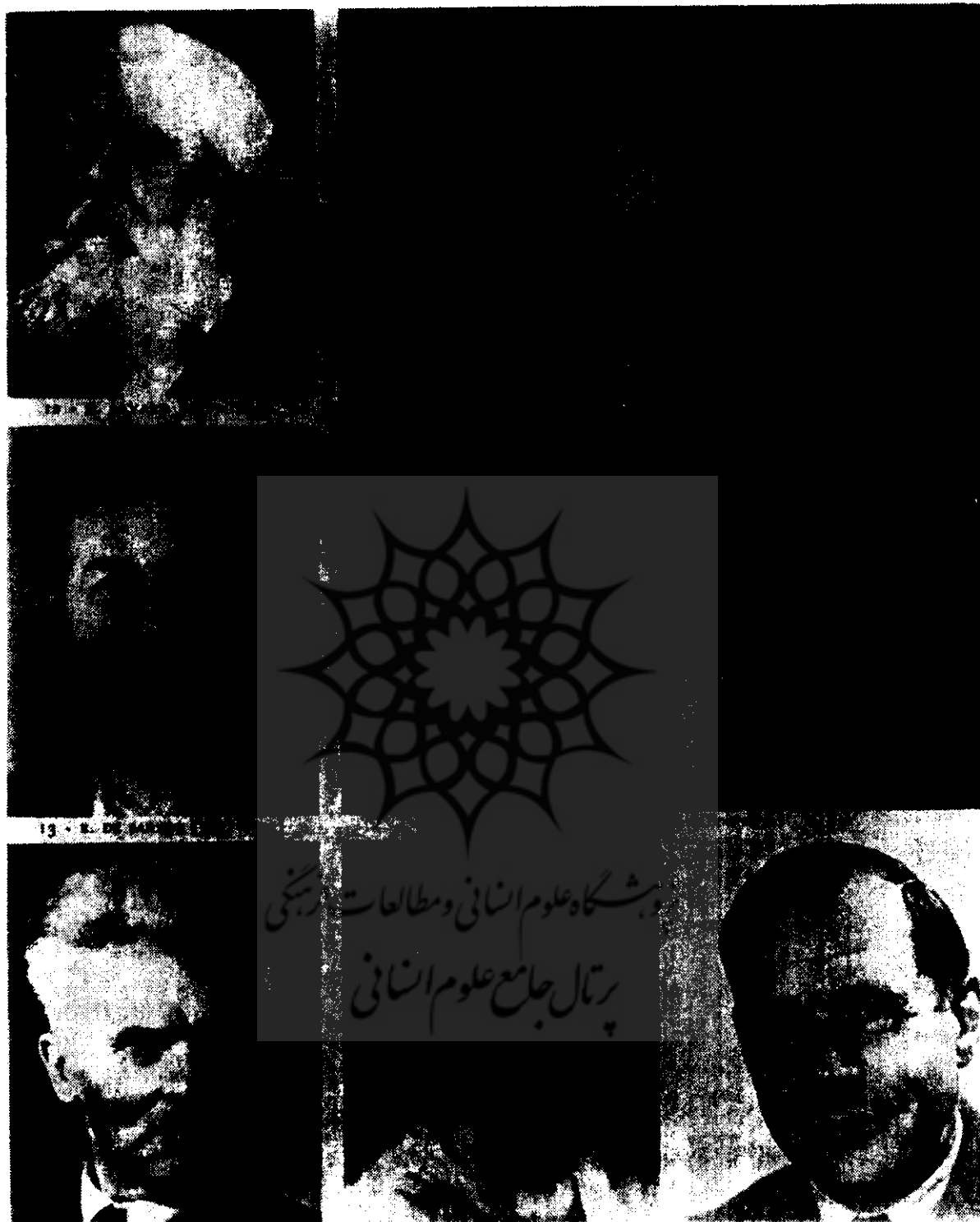
در کتاب «شیپیز» معبد «کلدانی» به این طریق بازسازی شده است

موجود است و متأسفانه کتابخانه دانشکده فاقد آن است و غالب این ابنیه امروز از بین رفته اند.

از روزی که «پرو» و «شیپیز» و «ماسپرو» کتابهای خود را برشته تحریر در آوردند تا امروز اطلاعات مربوط به باستان شناسی مشرق زمین و خصوصاً ایران صد برابر شده ولی دانشمندان امروزی غالباً روی جای پای محققانی مانند «ماسپرو» و «پرو» و «شیپیز» پیش رفته و دانش خود را تکمیل نموده اند.



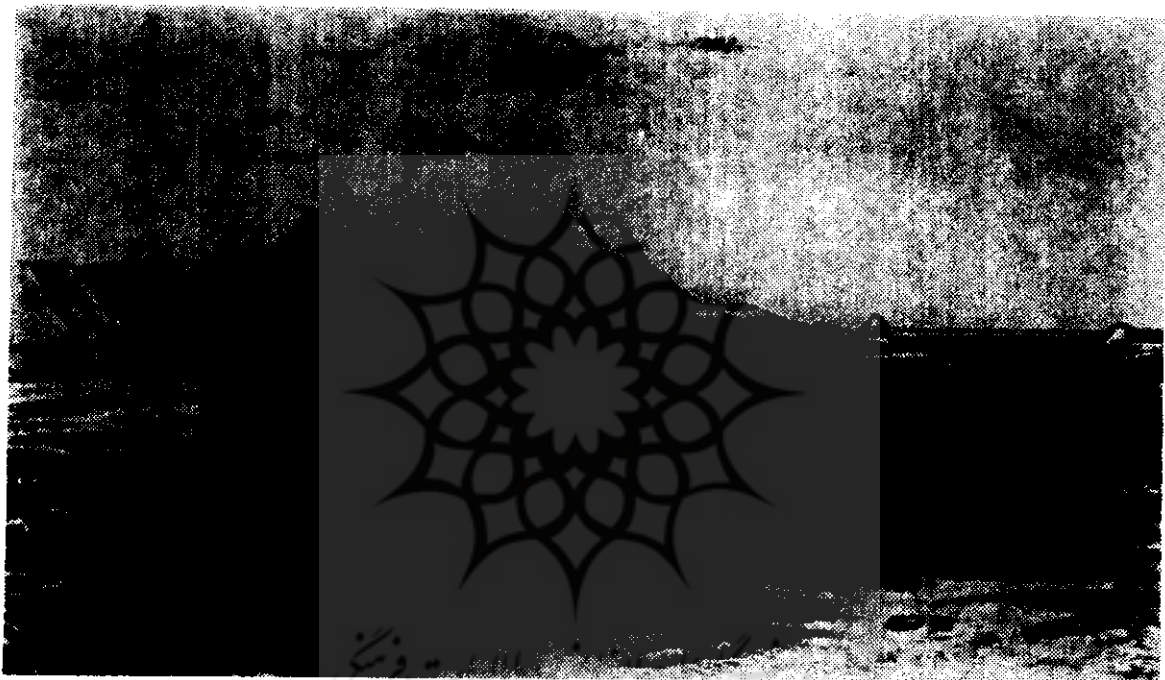
در تاریخ ۱۷۸۶ آقای «میشو» سنگی را در بین النهرین پیدا کرد که روی آن خطوط و شکل‌هایی بود که در آن زمان کسی آنرا نمی‌شناخت ولی امروز ما می‌دانیم که خط بابلی بوده است. دولت فرانسه آن سنگ را خرید و در کتابخانه ملی پاریس قرار داد.



ه. فرانکفورت ۱۹۵۴-۱۸۹۷ ر. کلدوای ۱۹۲۵-۱۸۵۵ و. آندره ۱۹۵۶-۱۸۷۵

اینها پیش‌آهنگان باستان‌شناسان در کشور ما می‌باشند

سالامون ریناک Salamon Reinach در سال ۱۹۰۲-۱۹۰۳ در مدرسه لوور هنر شرق مشرق زمین را تدریس مینمود و درس او در مجله «آپولو» Apollo به چاپ میرسید و با مطالعه آن مجله دیده میشود که این دانشمند در عرض مدت یک ساعت از مصر و کلد و ایران سخن میرانده و مجموع سخنان او از ۱۲ صفحه تجاوز نمیکرده است - در صورتی که در عصر حاضر هنر هر کدام از این کشورها در دانشگاه‌های مختلف بصورت مواد متعددی تدریس میشود و هنوز وقت کافی برای مطالعه دقیق آنها نیست .



زمانی که «دیولا فوا» در شوش کاوش را شروع کرد
تپه‌های تاریخی شوش به این صورت بودند

در همین دانشکده خودمان چهل سال قبل معماری بنام «کرفتر» به تنهایی شاگردان لیسانس بیرون میداد و امروز ۶۰ واحد اختصاصی برای لیسانس‌های باستانشناسی در برنامه لیسانس گنجانیده شده و هنوز بنظر کافی نمیرسد و تکمیل آنرا به دوره‌های فوق لیسانس و دکتری واگذار کرده‌اند .

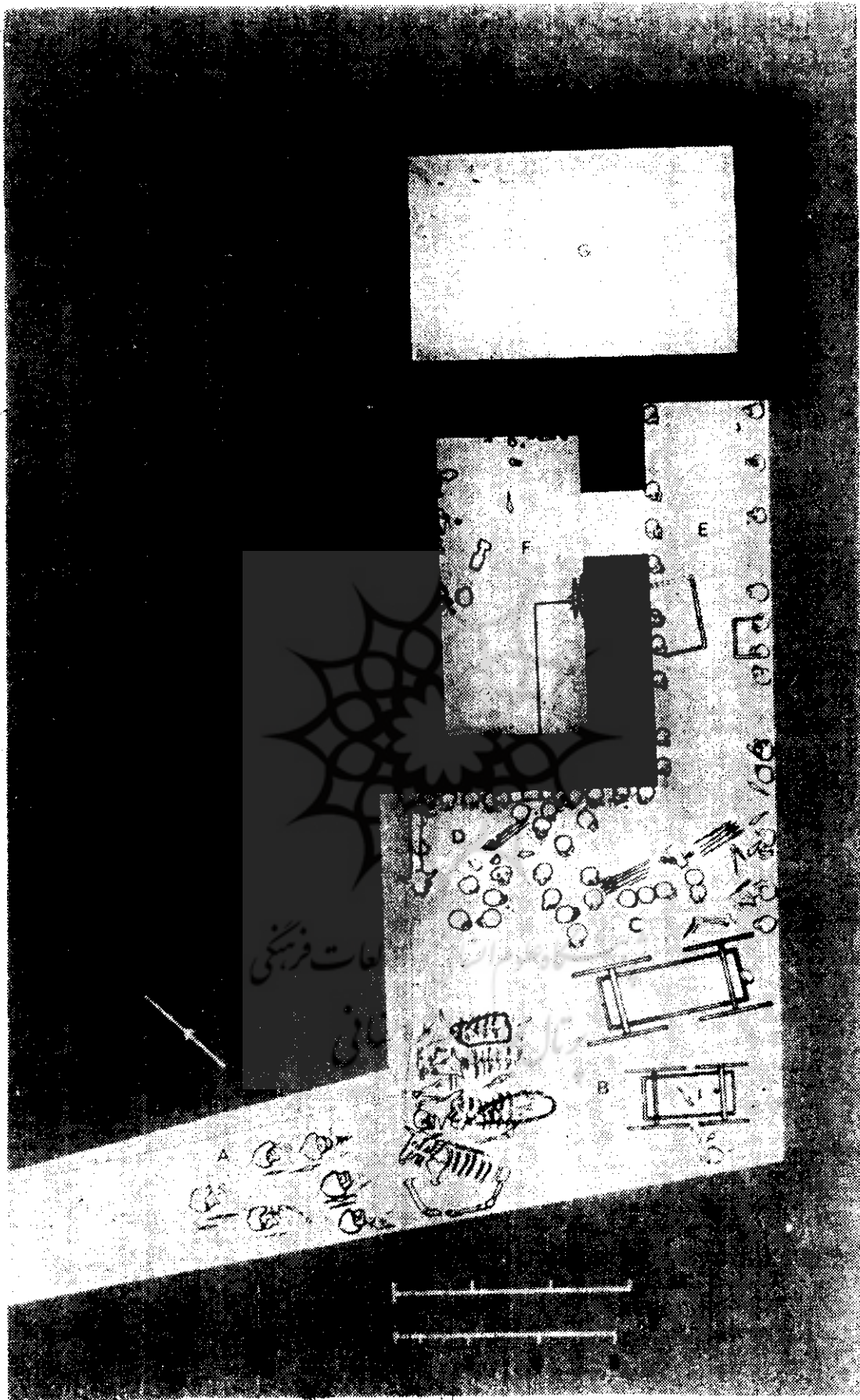
در آن روزها سر مجسمه «گودئا» را بصورت معماری که عمامه بر سرش دارد معرفی نموده بودند و امروز ما میدانیم که وی یکی از شاهان سومری بوده است .



در اوایل هزاره سوم پیش از میلاد پادشاهی در شهر «اور» واقع در کنار فرات از دنیا رفت و در حدود ۸۰ نفر از ملازمان و غلامان و همسران و نگهبانان او گردونه‌هایی را که با گاو کشیده می‌شدند در کنار او به خاک سپردند تا در دنیای دیگر بتوانند از آنها استفاده نمایند. باستان شناسان چنان بادقت از روی این قبرها خاک برداری کردند که توانستند آنها به طریق بالا بازسازی نمایند. «اور» سپین حضرت ابراهیم است.

برج بابل را شبیه به «کلینژوم» روم معرفی مینمودند که طبقه هفتم آن سر از ابرها بیرون آورده است و معبد سومری را که در آن زمان معبد کلدانی مینامیدند تقریباً کاملاً شبیه به آنچه که امروز از زیر خاک بیرون آمده و در آن ایام زیر خاک پنهان بود معرفی نموده‌اند.

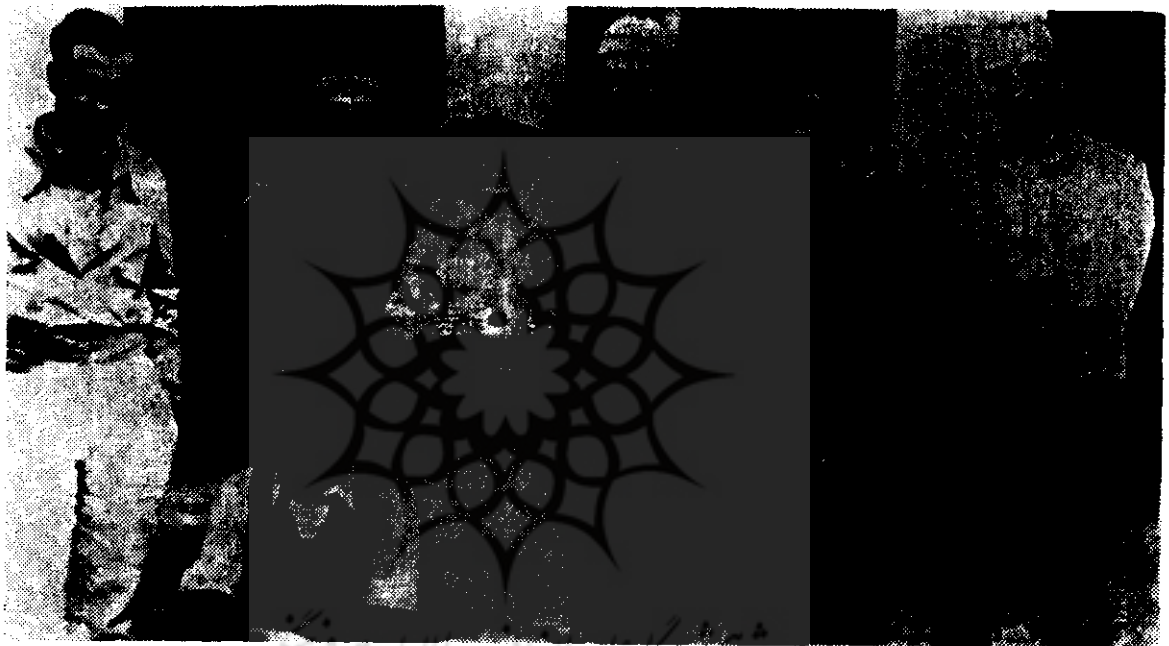
نیم قرن بعد روش تحقیق و تجسس درباره آثار باستانی مشرق زمین بکلی تغییر کرد و بجای اشخاص هیئت‌های اوقات خود را صرف تحقیقات در مکان‌های تاریخی نمودند. در ابتدای قرن ۱۹ اطلاعات ما راجع به آشور همان بود که در توراۀ دیده میشد و مهمترین آثاری که از بین‌النهرین بدست آمده بود سنگی بود بنام «سنگ میشو»



وضع آرامگاه « اور » هنگام خاک برداری از روی آن

Le caillou Michaux که در سال ۱۷۸۶ نبات‌شناسی بنام «میشو» آنرا از مشرق زمین به پاریس آورده بود و دولت فرانسه آنرا خرید و در کتابخانه ملی پاریس قرارداد. روی این سنگ نقوشی دیده میشد و کتیبه‌هایی بود که کسی از آن چیزی نمی‌فهمید و راجع به آن سخن‌ها گفته شد.

در آن زمان کسی اطلاعی از خط میخی نداشت و حتی نام سومری و اکدی و «هیتی» در زبان‌ها شناخته نشده بود. فقط در سال ۱۷۶۴ «آبه بارتلمی» Abbé



اعضای هیئت امریکایی در «سری» (تل الحریر) واقع در کنار فرات ربه النوعی پیدا کردند و آنرا در میان خود قرار داده عکس دسته جمعی برداشتند

Barthélemy که در جزیره مالت لوحه‌ای به دوزبان پیدا کرده بود توانسته بود خط فنیقی را بخواند.

با این حال در این موقع اشخاص متعدد مانند مسافران و تاجران و بعضی از کارمندان سفارت‌خانه‌ها و پاره‌ای از مردمان واقعه‌جو سراسر سرزمین‌های مشرق را زیر پا می‌گذاشتند و مانند چهارپادار راهنمای من به دنبال گنج روان بودند.

کاوش‌هایی که این مردمان در نقاط مختلف انجام میدادند بی‌شبهت به حفاری‌های غیر مجاز یا قاچاق امروزه نبود و با این مقایسه شاید بتوانیم بگوئیم که از نظر تحقیقات باستان

شناسی ما امروز قدم‌هایی را برمیداریم که دیگران در اوایل قرن نوزدهم برمیداشتند. در این موقع بیشتر کارمندان سیاسی مقیم کشورهای شرقی باستان‌شناس از آب بیرون آمدند. «بوتا» قنصل فرانسه در موصل بود و اولین کلنگ‌ها را در شهر نینوا و خرص آباد زد (۱۸۴۴-۱۸۴۲). پس از او «لایارد» Layard در شهرهای نینوا و نمرود و آشور مشغول کاوش شد (۱۸۴۷-۱۸۴۵) و به این طریق موزه لوور در تاریخ اول ماه مه ۱۸۴۷ و موزه بریتانیا در ماه اکتبر ۱۸۴۸ برای نخستین بار صاحب مجموعه‌ای از آثار آشوری گردیدند.



اعضای هیئت باستان‌شناسی امریکائی هنگام بیرون آوردن
رَبْدَانُوع «سری» از زیر خاک

ورود این دو مجموعه آثار هنری به اروپا سروصدای زیاد برپا کرد و کشفیات «راولینسون» که یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس در بغداد بود به این مجموعه‌ها ارزش بیشتری داد.

در سال ۱۸۵۲ قنصل فرانسه در بغداد «فرنل» Fresnel روی شهر قدیم بابل مشغول کاوش شد و «لفتوس» Loftus انگلیس در ورقا و شوش به حفاری پرداخت

(۱۸۵۳-۱۸۵۱) و قنصل انگلیس تایلور Taylor در شهر اور Our مشغول کار شد. ولی در اینجا آنها نتوانستند آنچه را که میخواستند بدست بیاورند زیرا آنچه را که آنها میخواستند مجسمه‌های سنگی بزرگ و نقوش برجسته و چیزهای دیگر بود که بتواند شهرت آنها را زیاد کند و به فکر کارهای علمی بدون سرو صدا ولی دقیق نبودند. امروز هم در بعضی کشورها بیشتر به پیدا شدن طلا از زیر خاک یاسکه و امثال آن اهمیت میدهند و کسی بدنبال این کار نمیرود که یک محل تاریخی را مدت چند سال مورد مطالعه قرار دهد و نقشه ساختمان‌ها و طبقات مختلفی را که روی هم قرار گرفته‌اند مطالعه نماید و راجع به آن کتاب‌ها یا مقالاتی چاپ کند.

بهر حال مجدداً لوفتوس به نینوا برگشت و در سال ۱۸۵۵ لوحه معروف «زیر آلاچیق» را پیدا کرد و «ژرژ اسمیت» لوحه‌ای بدست آورد که کمی پیش از سال ۱۸۷۲ ترجمه شد و داستان طوفان نوح را تشریح می‌کرد.

یکی دیگر از کنسول‌های فرانسه در بصره بنام «دسارزک» De Sarzec از سال ۱۸۷۷ در محل تاریخی «تلو» نزدیک شوش مشغول کاوش شد و نتایجی بدست آورد و از نظر ما ایرانیان این نتایج بسیار قابل توجه‌اند زیرا تمدن مردمانی را نشان میدهند که در حدود ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد در نواحی جنوب ایران مسکن داشته‌اند و امروز ما احتمال میدهم که از نژادهای آریایی بوده‌اند که قبل از ایرانی‌ها به این سرزمین آمده‌اند و بعضی از همکاران ما عقیده دارند که این مردم از نواحی کوهستانی فلات ایران بطرف جلگه خوزستان سرازیر شده‌اند و پس از اندک مدتی در راه دانش بشر پیشرفت فوق العاده کردند و هم آنها هستند که خط را اختراع کردند و خطی که بوسیله آنها اختراع شد ابتدا بصورت نقوش بود که مفاهیم معینی داشت و بعداً این نقوش ساده شد و بصورت خطوط میخی درآمد که حتی در دوران هخامنشی برای کتیبه‌های رسمی روی لوحه‌های سنگی استفاده شد. «دسارزک» بیشتر میل داشت مجسمه‌های متعدد از زیر خاک بیرون آورد و به موزه‌های اروپا بفرستد و چندان توجهی به نقشه ابنیه و جزئیات مربوط به اشیاء مکشوف نداشت.



در حدود یک قرن پیش « دیولا فوآ » سرستون‌هایی از کاخ ابدنه شوش را به این طریق به موزه لوور در پاریس حمل کرد و این سرستون‌ها مدت یک قرن است که در پایتخت فرانسه معروف گذشته پرافتخار شاهنشاهی ایران‌اند.



این معبد به دستور « اینشو شیناک » ساخته شده و مدت‌ها بصورت تپه بلندی در نزدیکی شوش دیده می‌شد. آقای گیرشمن با دقت مخصوصی آنرا از زیر خاک بیرون آورد و اطلاعات زیادی از تاریخ این نقطه از کشور سارا در اختیار دانشمندان گذاشت

با این حال کشفیات او از نظر ما ایرانیان بسیار قابل توجه است.

همین که دیگر در «تلو» مجسمه‌ای پیدا نشد آنرا بحال خود رها کردند و گفتند دیگر چیزی در آنجا پیدا نمیشود درحالی‌که بسیاری چیزها در آنجا بود که بانظر دقیق‌تری ممکن بود از آن استنادهای علمی بنمایند.

بهرحال «دوسارزک» تعداد زیادی از مجسمه‌های سنگی گودنارا از زیر خاک بیرون آورد و به موزه لوور فرستاد. پس از او در سال ۱۸۸۹ «پترس» Peters و «هاین» Haynes امریکایی لوحه‌های میخی را در محل «نیپور» کشف کردند.

در دوران بعد باز تغییراتی در سبک کار حفاری بوجود آمد و این بار هیئت‌هایی مرکب از محققان در رشته‌های مختلف و خصوصاً نقاشان و معماران مشغول کاوش در مکان‌های تاریخی شدند و نقشه‌ها ساختمان‌ها را روی کاغذ آوردند.

مثلاً «دیولا فوآ» و همسرش در ۱۸۸۴-۱۸۸۶ در شوش به کاوش پرداختند و کاشی‌هایی را که سر بازان جاویدان هخامنشی را مجسم نموده است از زیر خاک بیرون آوردند. از سال ۱۸۹۷ هیئتی تحت سرپرستی «دمرگان» De Morgan در شوش مستقر گردید و از آن تاریخ تا امروز که از نیم قرن تجاوز می‌نماید این هیئت فرانسوی که هر سال اعضای آن تجدید میشود در شوش مشغول حفاری است و بسیاری مطالب راجع به تاریخ کشور ما را روشن نموده است. پس از آن، کاوش‌های «ر. گلدوی» R. Goldewey با همکاری «و. آندره» W. Andrae و «ژ. ژوردن» J. Jordan و «آ. نولدکه» A. Noldeke در بابل شروع شد و سپس معماران آلمانی با آنها در این کاوش‌ها شرکت کردند و این بار با چنان دقتی مشغول کار شدند که حتی برای مطالعه بعضی آثار از میکروسکوپ نیز استفاده نمودند.

در سال ۱۹۱۱ پروفسور هرتسفلد در سامره شروع به کار حفاری نمود و در زمینه هنر اسلامی تحقیقات فراوان کرد. بعداً جنگ جهانی اول شروع شد و تقریباً تمام کاوش‌ها

معطل ماند جز آلمانها که تا سال ۱۹۱۹ در بابل مشغول کار بودند .

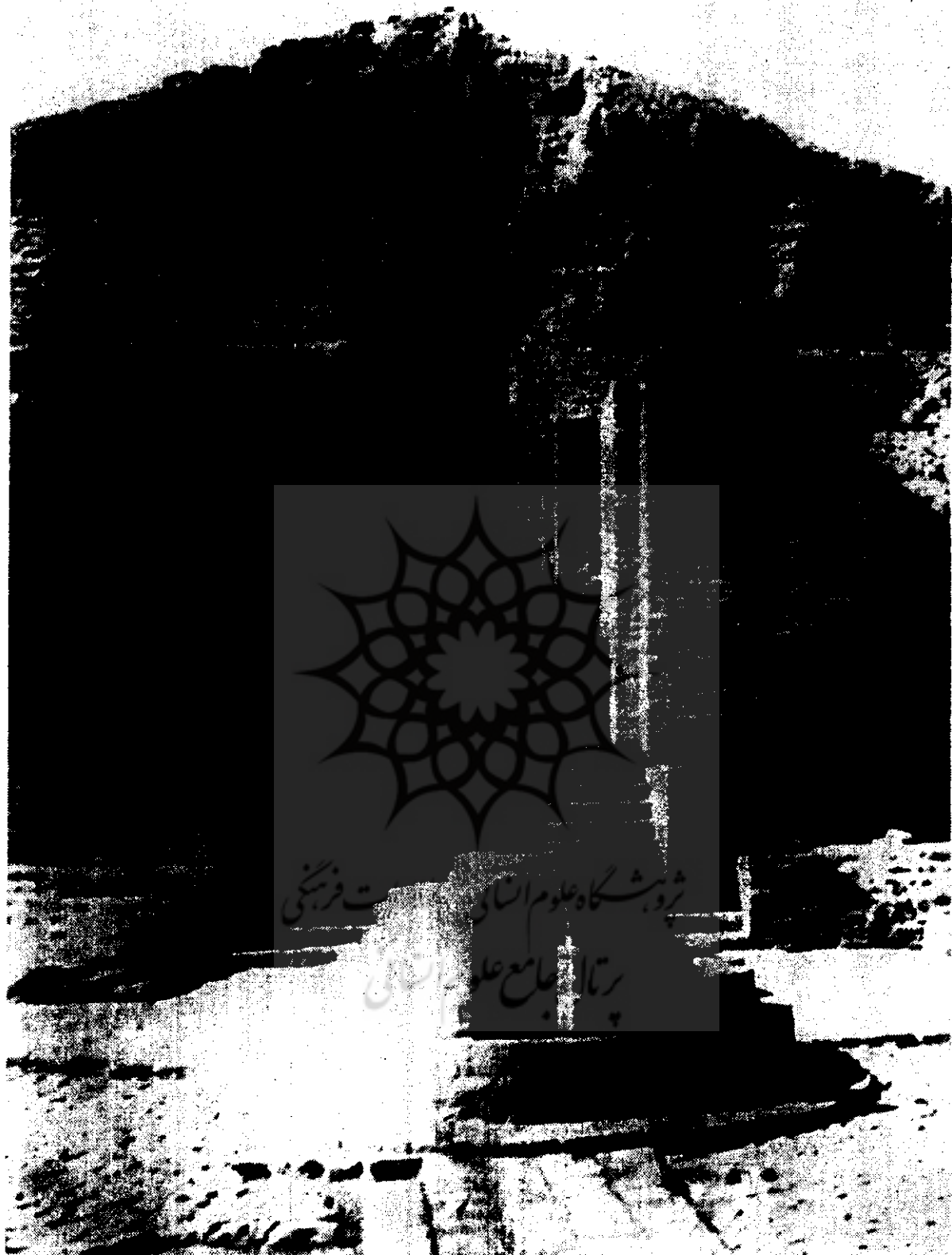
در ایران کاوش های جدی بعمل آمد. آقای هرتسفلد در تخت جمشید مشغول کار شد و نتایج بسیار فوق العاده بدست آورد و هیئت علمی امریکائی تحت نظر دکتر اریک اشمیدت Dr. E. Schmidt کار را تا سال ۱۹۳۷ دنبال کرد . پس از آن « هیئت علمی ایرانی تخت جمشید » عهده دار مسئولیت و نگهداری و کاوش در این محل گردید .

در شوش پس از مرگ آقای دمکنم که یادگار قیافه خندان او هنوز از میان ما محو نشده است آقای پروفیسور گیرشمن مشغول فعالیت های علمی شد .

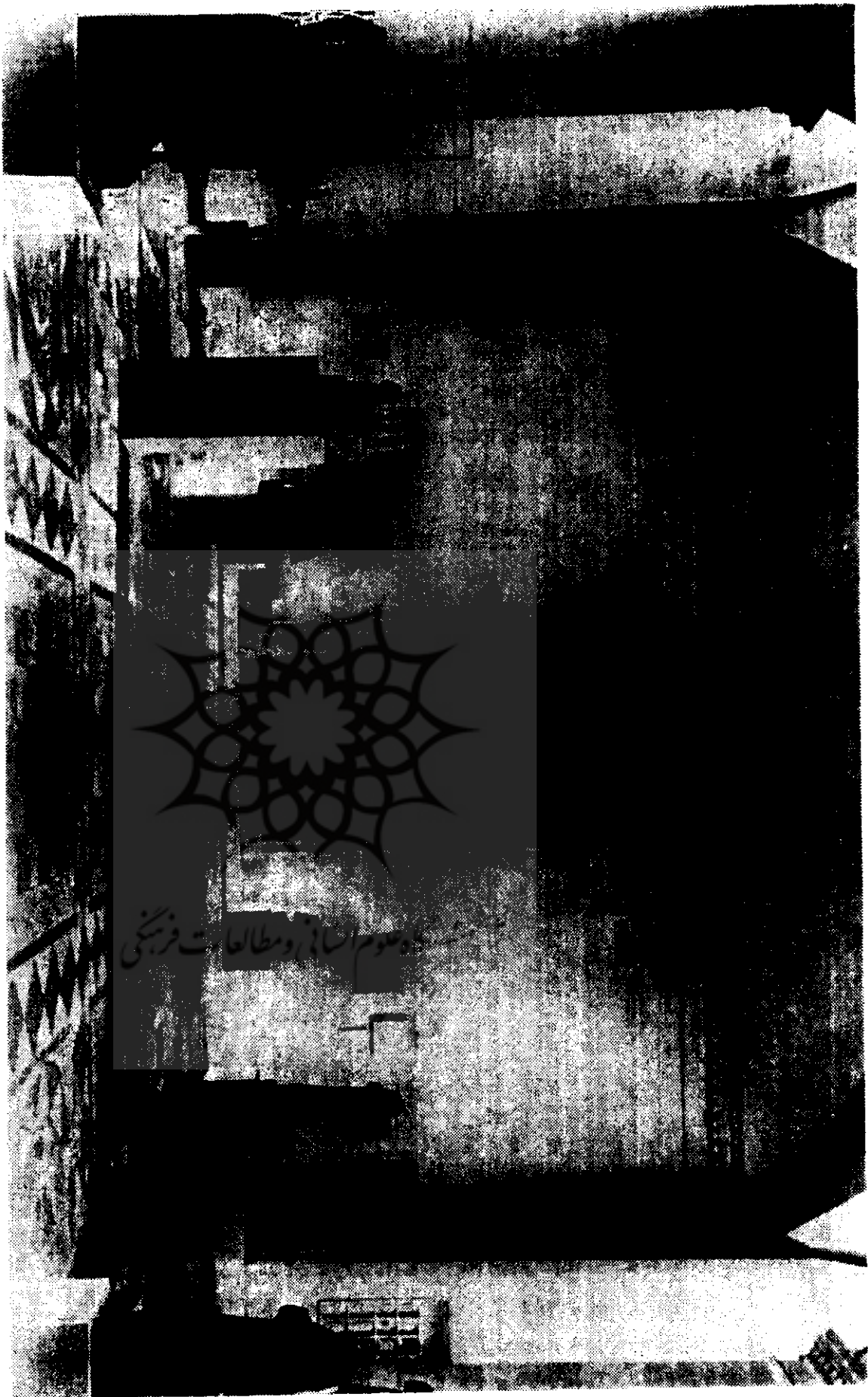
جنبه علمی کارهای گیرشمن بسیار قوی است و از کاوش های خود نتایج بسیار دقیق گرفته و کتاب های متعدد چاپ کرده است . در همین سال ها موزه ایران باستان بوجود آمد و نتایج کاوش های سوئدی ها و امریکائی ها و فرانسوی ها و انگلیسی ها در آن قرار داده شد . بعداً هیئت های مختلف متعدد امریکائی در نقاط مختلف ایران مشغول کار شدند و تعداد آنها بقدری زیاد است که نام تمام آنها را نمیتوان ذکر کرد . ضمناً هیئت های ایرانی نیز در نقاط مختلف ایران کاوش هایی انجام دادند و نتایج بعضی از آن کاوش ها بزبان فارسی چاپ شد .

امروز ما تقریباً تمام وسایل لازم برای گرفتن جای دانشمندان خارجی در مورد مطالعات باستان شناسی را در اختیار داریم . جوانان ما هر روز به این علم جدید که در گذشته برایشان ناشناخته بود تمایل زیادتر پیدا میکنند و این مطلب کاملاً روشن شده است که باستان شناسی یکی از علمی است که در ایران بهتر از هر نقطه دیگر میتواند دکتری آنرا گذرانند زیرا بیشتر ابنیه و آثار قدیمی که مورد احتیاج تحقیق دانشجویان است در این کشور وجود دارد . فقط باید روش صحیحی برای چنین تحقیقاتی اتخاذ شود و از جنبه تبلیغاتی آن بکلی صرف نظر گردد و هیئت های علمی که مرکب از دانشجویان ورزیده باشد به نقاط مختلف ایران برای تحقیق های طویل مدت فرستاده شود و از آنها خواسته شود که نتایج تحقیقات خود را به بهترین نحوی به چاپ برسانند .

با این حال ما از کمک و همکاری با دانشمندان دیگر بی نیاز نیستیم و بسیار مناسب است که با آنها رابطه علمی دائمی برقرار نمائیم . اکنون ما در ابتدای راهی هستیم که بنظر میرسد ما را به هدف های عالی راهنمایی خواهد کرد و انشاء الله موفق خواهیم شد .



« زیگوارت » چغا زنبیل که معبدی از قرن ۱۲ پیش از میلاد است و در مجاورت شهر
شوش قرار دارد به این طریق بوسیله پروفیسور « گیرشمن » از زیر خاک
بیرون آمده است



در سوزة لوور در پاریس بهترین تالارها به آثار مکشوف از ایران اختصاص داده شده است و یکی از آنها اطاقی است که در آن چندین مجسمه از « گودئا » قرار داده شده است و به تالار « گودئا » معروف است.